



مرور و نقد کتاب

حقوق بین الملل (دو جلد)

نویسنده: دکتر ابراهیم بیگ زاده

ناشر: بنیاد حقوقی میزان

سال انتشار: ۱۴۰۱

نگارنده: سید هادی محمودی^۱

"ریشه های حقوق بین الملل را باید در حکمرانی های عهد عتیق و نیز نگرش های دینی از جمله دیدگاه های اسلام و در تالیفات دانشمندان مسلمان جستجو نمود."

حقوق بین الملل از جمله موضوع هایی است که به نظر می رسد با دو چالش اساسی و شاید متضاد مواجه باشد. از یک سو به دلیل جایگاه این رشته در میان رشته های حقوق و تمایل به مقایسه آن با سایر گرایش های حقوق داخلی، با بحران هویتی و وجودی مواجه است. به همین دلیل معمولاً آخرین آثار خارجی مرتبط با این رشته تلاش می کنند تا اساساً، اصل وجود آن را به مثابه یک نظام حقوقی اثبات کنند. از سوی دیگر، تنوع حوزه های مختلف مطالعاتی در این رشته، آن چنان گسترده است که شاید پرداختن به آنها منتهی به تألیف ده ها جلد کتاب شود. موضوع هایی مانند فلسفه حقوق بین الملل، نسبت حقوق بین الملل با رشته های مشابه، جایگاه دولت و

^۱ استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی h_mahmoudi@sbu.ac.ir

سایر کنشگران بین المللی، مسائل مربوط به محیط زیست، هوا و فضا، ورزش، فناوری های نو و اقتصاد، گوشه ای از موضوع های مربوط به حقوق بین الملل است. نگارنده تلاش نموده است تا پس از بیش از سی سال تدریس در دانشگاه، بسیاری از این جنبه ها را به نحو کافی مورد بررسی قرار دهد. این نوشتار تلاش می کند که صرفا به معرفی این اثر و بیان ویژگی های آن بپردازد.

طرح کتاب

نگاه نگارنده به طرح مطالب کتاب قابل توجه است. در جلد اول با عنوان "مبانی و منابع و تابعان" نگارنده به تعریف و خاستگاه و مبانی الزام آور بودن و همچنین جایگاه حقوق بین الملل می پردازد. آنگاه منابع حقوق بین الملل و در نهایت تابعان (کنش گران) حقوق بین الملل را مورد بررسی قرار می دهد. جلد دوم کتاب با عنوان روابط تابعان و با سه بخش روابط دوستانه تابعان حقوق بین الملل، روابط خصمانه تابعان حقوق بین الملل و روابط ارتباطی تابعان حقوق بین الملل نگاشته شده است. موضوع های بسیار متنوعی از حقوق بین الملل از جمله اصول منع توسل به زور و عدم مداخله، کمک های بشردوستانه، روابط دیپلماتیک، روابط کنسولی، توسعه، حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف های بین المللی، ورزش و حقوق بین الملل اقتصادی، ذیل روابط دوستانه بررسی شده اند. موضوع هایی مانند حقوق مخاصمات مسلحانه، خلع سلاح، کنترل تسلیحات، مسئولیت بین المللی نیز ذیل روابط خصمانه مورد بررسی قرار گرفته اند. در نهایت هم موضوع هایی مانند حقوق دریا، حقوق هوا، حقوق فضا، فضای سایبری و حقوق محیط زیست ذیل عنوان "روابط ارتباطی" مورد مطالعه نویسنده قرار گرفته اند.

روش شناسی کتاب

پس از طرح کتاب باید به بررسی روش شناسی آن پرداخت. تألیف این اثر را باید روش شناسانه دانست. آنچه که از نگرش های سنتی به موضوع حقوق بین الملل مستفاد می شود، محوریت قرار دادن دولت به مثابه مهمترین و بعضا در گذشته، تنها کنشگر حقوق بین الملل است. یک نویسنده پوزیتیویست کلاسیک، با بهره گرفتن از آموزه های واقع گرایی تلاش می کند تا به قواعد و مقررات بین المللی از منظر دولت به مثابه واضع و در عین حال تابع حقوق بین الملل نگاه کند. واقعیت آن است که مدت های مدیدی است که این نگرش صلب، منسوخ شده و نگارندگان آثار حقوق بین الملل، هم عنان با مقتضیات و شرایط زمانه، مسائل حقوق بین الملل را تحلیل می کنند و از روش های گوناگون استفاده می نمایند. این روش ها را می توان در یک امر مشترک دانست؛ اینکه دولت ها دیگر یکه تاز عرصه بین المللی نیستند نکته ای که حتی گرایش های پوزیتیویستی تعدیل شده هم به آن اذعان دارند. با توجه به این توضیحات مولف را نمی توان بی طرف دانست به این معنا که صرفا روایتگر وقایع بین المللی در حوزه های مختلف باشد. اشاره به چندین نشانه در بخش های بعدی این نوشتار، برای درک روش شناسی این کتاب قابل توجه است .

حقوق بین الملل به مثابه نظام حقوقی رسالت گرا

نگارنده در مقدمه کتاب ضمن اذعان به وجود نظام حقوق بین الملل و ضرورت تقویت آن، دیدگاه خود را نسبت به نگاه ارتدوکسی به حقوق بین الملل به صراحت ابراز می دارد. ایشان غایه القصوی بودن دولت در نظام حقوق بین الملل را انکار می کند. او حقوق بین الملل را به مثابه پدیده ای می بیند که همواره در حال گذار بوده و قرار است که به سوی ایجاد دنیایی بهتر برای انسانها گام بردارد. بنابراین، حقوق بین الملل را نباید به عنوان مجموعه ای از قواعد و مقررات بین المللی دانست که صرفاً در خدمت منافع دولت ها باشد. در واقع، صاحبان اصلی حق ها در نظام حقوق بین الملل، مردم هستند. با وجود این، نگارنده گام در زمین دارد و علیرغم ابراز صریح به انسانی شدن حقوق بین الملل، واقعیات موجود در نظم کنونی بین المللی را از یاد نمی برد و بخش هایی از کتاب را اختصاصاً به تشریح و بررسی اینگونه قواعد و مقررات مصروف می دارد.

آغاز پیدایش حقوق بین الملل؛ وستفاليا به عنوان مبدأ نادرست

موضوع آغاز پیدایش حقوق بین الملل همواره محل اختلاف بوده است. پارادیم غالب در میان آثار حقوقی به ویژه آثار حقوقدانان مغرب زمین نقطه شروع حقوق بین الملل را عهدنامه وستفاليا مصوب سال ۱۶۴۸ میلادی می داند. معاهده ای که پایان بخش سی سال جنگ و خونریزی میان پروتستان ها و کاتولیک ها بود و به لحاظ حقوقی موجد عینی دولت-ملت شده است. نگارنده کتاب، این پارادیم را به چالش می کشد. از نظر ایشان، این دیدگاه با هدف مشروعیت بخشی به حقوق بین الملل به واسطه ایجاد دولت است حال آنکه حقوق بین الملل ولو با برداشتی متفاوت از آنچه که غالباً رایج است به عهد باستان باز می گردد و ریشه های آن را باید در حکمرانی های عهد عتیق و نیز نگرش های دینی از جمله دیدگاه های اسلام و در تألیفات دانشمندان مسلمانی مانند ابو عبد الله محمد بن حسن شیبانی، فقیه عامه قرن دوم هجری جستجو نمود. وقتی صاحبان اصلی حق ها مردم هستند، طبعاً نمی توان وجود حقوق بین الملل را وابسته به ایجاد دولت ها دانست به ویژه آنکه تاریخ گواهی می دهد که در غالب موارد دولت ها، نماینده اصیل و واقعی ملت هایشان نبوده اند.

معرفی روش های متنوع حقوق بین الملل

یکی از نکات مثبت کتاب، پرداختن به روش شناسی های موجود در حقوق بین الملل است که هم مکاتب حقوق طبیعی و طبیعی جدید و هم قرائت های متفاوت از پوزیتیویسم از جمله پوزیتیویسم کلاسیک، تعیین حقوقی و هنجارگرایی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نگرش های امریکایی و همینطور مکاتب انتقادی مانند فمینیسم و مکتب مطالعات انتقادی حقوق در زمره مکاتبی هستند که نویسنده به سادگی آنها را معرفی نموده است. بنابراین نویسنده کتاب به این مطلب اذعان دارد که یک حقوق بین الملل وجود ندارد بلکه با روش شناسی های مختلف ممکن است برداشت های متعددی از حقوق بین الملل وجود داشته باشد.

منابع حقوق بین الملل

در بحث میان منابع حقوق بین الملل نگارنده دیدگاه متفاوت خود را ابراز می دارد. بنابراین ضمن آنکه به نحو مبسوط به موضوع معاهدات بین المللی به مثابه مستقیم ترین و بارز ترین شکل اراده دولتی و همینطور حقوق بین الملل عرفی به مثابه قواعد سیال لازم الاجرا در حقوق بین الملل می پردازد. در عین حال به برخی منابعی که کمتر با اراده دولتها برخورد دارد به نحو مبسوط تری در مقایسه با آثار مشابه مطالبی مطرح می کند. به طور مشخص توجه به قاعده آمره به عنوان قاعده ای که جامعه بین المللی در کلیت خود آن را تخطی ناپذیر می داند، در سلسله مباحث مربوط به به منابع حقوق بین الملل در این کتاب قابل توجه است و آن زمانی است که بحث در مورد سلسله مراتب میان منابع حقوق بین الملل را مطرح می کند. همچنین نگارنده به اصول کلی حقوق بین الملل و به طور مشخص انصاف که گاهی در مفهوم اصول کلی مندرج است و گاهی فراتر از حقوق قرار می گیرد، توجه می نماید. در نهایت موضوع "وفاق های غیر قراردادی" که اصولا نسبتی با اراده الزام بخش دولتی ندارد، از نکته های قابل توجه در این نوع نگاه به حقوق بین الملل است که نگارنده به طور مفصل به آنها پرداخته است.

کنش گران حقوق بین الملل؛ ضرورت قبض فضای دولت

واقعیت آن است که دولت ها تا حد زیادی دل مشغولی های حقوق بین الملل را تشکیل می دهند و این رشته در تلاش است تا روابط آنها را هم مدیریت کند و هم به مرور زمان سعی کند تا سایر کنشگران حقوق بین الملل را وارد این عرصه نماید. واقع بینی حکم می کند که ضمن پرداختن به این اشتغالات دولت، کوشش شود تا حضور کنشگران غیر دولتی تقویت گردد. بنابراین کتاب حاضر، ضمن پرداختن به شئون مختلف تشکیل دولت و ارتباطات آن، هم موضوع فرد را به مثابه موجودیت محق (حقوق بشر) و هم به مثابه موجودیت مکلف (حقوق بین الملل کیفری) و هم به مثابه کنشگر حقوق بین الملل را تحلیل نماید. جالب تر آنکه کتاب عنوان های مستقلی به سازمان های بین المللی غیر دولتی، مردم، سازمان های آزادی بخش و بشریت اختصاص داده است و آنها را منفک از افراد به مثابه کنشگران حقوق بین الملل در نظر می گیرد. همه این ها در کنار بررسی سازمان های بین المللی بین الدولی است که طبعا در همه آثار حقوق بین الملل بدان پرداخته می شود و در این اثر هم مورد توجه قرار گرفته است.

ارزیابی کلی؛ حرکت به سوی اجتماع بین المللی

نکته ای که در طرح کتاب شایان توجه است آن است که نگارنده با پرداختن به تقریبا کلیه مسائل مهم حقوق بین الملل، آن ها را از دریچه روابط میان کنشگران بین المللی می نگرد (جلد دوم). شاید این بدان دلیل است که تا زمانی که جامعه بین المللی نباشد، حقوق بین الملل معنا ندارد. کنشگران حقوق بین الملل به شکل کاملا معنا داری در ارتباط هستند و این ارتباط پویایی جامعه بین المللی را نشان می دهد. جامعه ای که همراه با هزار

حسرت و دریغ است به ویژه آنکه حقوق بین الملل در برخی از حوزه ها، کارآمدی قابل قبولی ندارد. با وجود این نمی توان حرکت جامعه بین المللی را به سمت انسانی تر شدن روابط نادیده گرفت. شاید در وضعیت فعلی نتوان ادعا نمود این روابط آنچنان متکامل و برابر میان کنشگران حقوق بین الملل برقرار هستند که بتوان از اجتماع بین المللی (جامعه جهانی مبتنی بر همبستگی میان مردم جهان) سخن به میان آورد لیکن می توان در آیین اسناد بین المللی و حقوق عرفی زمینه های انسانی حقوق بین الملل را واضح تر نشان داد. همچنین اکنون به دلیل وجود شبکه های ارتباطی و اجتماعی فراگیر، افکار عمومی منسجم، قاضی رفتارهای بین المللی دولت ها به ویژه قدرت های بزرگ شده است. امروزه افکار عمومی با قتل یک خبرنگار در آن سوی جهان آن چنان دچار دگرگونی می شود که آن را به لحاظ بین المللی نه صرفا امر غیر اخلاقی بلکه غیر حقوقی هم می داند. به باور یکی از حقوق دانان حقوق بین الملل در بغداد نمود پیدا کرد؛ در دیوار مخروبه ای که در آن با رنگ نوشته شده بود: «این جنگ غیر قانونی است»^۲

بی تردید این اثر، تلاش بسیار سترگ و ارزنده ای در جامعه حقوقی کشور عزیزمان ایران و به طور کلی در حوزه تمدنی و جغرافیای زبان پارسی است. مخاطبان این اثر از جمله دانشجویان رشته های حقوق، علوم سیاسی، روابط بین الملل، مطالعات منطقه ای و جغرافیای سیاسی هستند و هم آنکه می تواند کتاب راهنمای بسیاری از نهادهای حکمرانی کشور که در امور بین المللی فعالیت می کنند و یا آنکه سیاست ها و عملکردشان، مسائل بین المللی کشور را تحت تأثیر قرار می دهد، باشد. در نهایت کتاب برای صاحبان فکر و پژوهشگران، حاوی اطلاعات دقیق و کاملی در موضوع های بین المللی است.

کتاب حقوق بین الملل در دو مجلد و در ۱۷۰۴ صفحه نوشته دکتر ابراهیم بیگ زاده، استاد حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی از سوی بنیاد حقوقی میزان در اوایل زمستان ۱۴۰۱ به زیور طبع آراسته گردیده است.

^۲ اشاره به حمله نظامی ایالات متحده آمریکا در مارس ۲۰۰۳ به عراق